

**A comparative study of the teachings and social functions of the two religions of Mehr
Worshipping and Zoroastrianism**

Abstract

The influence of Mehri religion on Zoroastrianism has caused similarities and differences in both religions. The result of this influence has been manifested in the culture of the Zoroastrian religious community and the Iranian society in the form of beliefs, traditions and social functions. By applying the religious teachings of Mehri and Zoroastrianism, commonalities and differences appear in the following three axes: Beliefs include topics such as rituals, iconography and symbols, the transcendence of the number seven, the way through the religious steps and status, and how to live after death, resurrection, the end of time etc.; Attributes include being mysterious, the role of gender, the role of Moghans and clerics, the importance of austerity and monasticism, prayer etc; Social functions include celebration, sacrifice, the use of the names Mehr and Mitra, and the relationship between Mehr and the sun, swearing, and judgment .

Keywords: religious teachings, Mehr Worshipping, Zoroastrianism

<https://doi.org/10.3051/psi.10.3051.2402>

بررسی تطبیقی آموزه‌ها و کارکردهای اجتماعی و سیاسی دو آیین مهر و زرتشت

محمد رضا باوندپور^۱

محمدکریم یوسف جمالی^۲

ناصر جدیدی^۳

شکوه السادات اعرابی هاشمی^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۴/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۷

چکیده

تأثیر آیین مهری در آیین زرتشت باعث وجوه تشابه و تمایز در هر دو آیینی شده است نتیجه این تاثیرگذاری در فرهنگ جامعه دینی زرتشتی و جامعه ایرانی در قالب باورها، سنن و کارکردهای اجتماعی متجلی شده است با تطبیق آموزه های دینی در آیین مهری و زرتشتی اشتراکات و وجوه تمایز در سه محور باورها شامل موضوعاتی چون مناسک و رسوم، شمایل نگاری و علائم، متعددی بودن عدد هفت، طی طریق به مراتب و مقامات دینی و چگونگی زندگی پس از مرگ، قیامت، آخر زمان و ... ویژگی های شامل راز آلودگی، نقش جنسیت، نقش مغان و روحانیون، اهمیت ریاضت و رهبانیت، نیایش و ... کارکردهای اجتماعی شامل، جشن، قربانی، کاربرد اسامی مهر و میترا و رابطه مهر با خورشید، سوگند و داوری ظهور می یابد

واژگان کلیدی: آموزه های دینی، مهرپرستی، زرتشت

دانشجوی دکتری رشته تاریخ قبل از اسلام، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.^۱

mohammadrezabavandpour@yahoo.com

استاد گروه تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران (نویسنده مسئول). Yousef-jamali@yahoo.com^۲

دانشیار گروه تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران. jadidi_naser@yahoo.com^۳

استادیار گروه تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران. Shokouharabi@gmail.com^۴

در قاموس ادیان، آموزه‌ها، باورها، شخصیت‌های مذهبی و کارکردهای اجتماعی متأثر از آن‌ها بر سایر آیین‌های پس از خود تأثیر گذاشته یا در قالب و شمایل دیگری ظهور می‌یابند. آیین مهرپرستی نیز از این امر مستثنا نیست. مهرپرستی به‌عنوان یکی از کهن‌ترین آیین‌های باستان با آیین زرتشت دارای قرابت، وجوه اشتراک و حتی متضادی است که منبعث از تأثیر این آیین کهن است. این تأثیرگذاری بعدها در جلوه جدید آیین مهر موسوم به میترائیسم تداوم یافته است. خوانش تطبیقی آموزه‌های دو آیین مهر و زرتشت علاوه بر تبیین وجوه اشتراک و تفاوت‌های ادیان مزبور، موجب آشکار شدن این شباهت و تفاوت‌ها در آثار فرهنگی و تمدن جامعه با توجه به سیطره جغرافیایی آن‌ها خواهد شد.

بررسی نقش دین و کارکرد آن در قلمرو آداب، رسوم و فرهنگ جامعه موضوعی است که پژوهشگر را به اهمیت تطبیقی نمادها و کارکردهای اجتماعی و آموزه‌های ادیان رهنمون می‌نماید این اهمیت وقتی سترگ به نظر خواهد رسید که موضوع بررسی به دو آیین تأثیرگذار کهن مانند آیین‌های مهرپرستی و زرتشت اشاره نماید.

برخی از آموزه‌ها و عملکردهای اجتماعی آیین مهرپرستی در مجموعه گزارش‌های دومین کنگره بین‌المللی مهر شناسی توسط خاورشناسان و مهرپژوهان برجسته جهان مورد بحث قرار گرفته است اما به نظر می‌رسد پژوهشی که آموزه‌ها و عملکردهای اجتماعی دو آیین مهر و زرتشتی را به‌صورت تطبیقی بررسی نماید تاکنون انجام نشده است در این مقاله با امعان به قلت منابع در حوزه مهر شناسی، سعی شده است تا این مهم علی‌رغم محدودیت در نگارش یک پژوهش، تطبیق داده شود.

۲- آموزه‌ها و باورها

۱-۲- مناسک و رسم باده‌نوشی هوم

هوم گیاهی سکرآور بود که خدایان از شیره این گیاه نیروی بسیار یافته و روحیه سلحشوری آنان تحریک می‌گردید. مطابق با سرودهای ریگ ودا، ایندرا بسیار شایق و دوستدار نوشیدن این گیاه مستی بخش است و هر بار از دریاچه‌هایی که لبریز از شرابی است که از این گیاه تهیه می‌شود می‌نوشد تا بتواند بجنگد. (نوابیان، ۱۳۹۶: ۱۶۵) یکی از شاخصه‌های انجمن میتراپی، اجرای آیین هوم نوشی و دست یافتن به حالت بیخودی و خلسه و باده‌گساری همراه با سماع یا رقص‌های آئینی بود که چه‌بسا، مراسم ربانی و ریاضت و غسل و شست‌وشو و هوم نوشی بر پا بوده است.

در اوستا بنیان‌گذار آیین هوم، پدر جمشید دانسته شده و پاداش او به جهت نهادن چنین آیینی جمشید بوده است که از ایزدان خورشیدی و به تعبیری دیگر گونه انسان مهری است. (رضی ۱۳۸۲ ج ۱، ۱۱۸) در بخش‌های مختلف اوستا سخن از هوم بسیار رفته است. یکی از یشتها، هوم یشته است، همچنین در یشتهای نه، ده و یازده به تفصیل از این شخص سخن رفته است. به‌غیر از هوم یشته در یشتهای دیگر نیز از آن یاد شده است. به نام هوم پارسا که شاید بتوان او را یکی از پیغمبران پیش از زرتشت دانست. (نوابیان، ۱۳۹۶: ۱۶۵) این اهمیت هوم نوشی که از آیین مهر به آیین زرتشت منتقل شده است ابتدا توسط زرتشت مورد مخالفت قرار گرفت اما بعدها به‌وسیله زرتشتیان مورد تقدس و احترام قرار گرفت که نام‌گذاری یشته بنام هوم یشته مربوط به این دوران است.

۲-۲- شمایل‌نگاری و علائم

در نقش برجسته گاو کشی، میتراس در هیبت قهرمانی جوان بر پشت گاو نر قوی‌هیکی انگشت در منخرین گاو انداخته و سر گاو را به نشان قربانی کردن به بالا کشیده و خنجر در کتفش فرو کرده است از جای زخم، خوشه‌های

گندم روئیده و از دم گاو خوشه غلات. سگی در حال لیسیدن خون است، ماری به‌سوی خون جاری در حرکت است، عقربی بر بیضه گاو جهیده این صحنه که موسوم به تاور کتونی است، مورد توجه و تفسیر اندیشمندان و پژوهشگران زیادی شده است. عقرب و مار دو حیوان زیانکار هستند که به‌زعم کومون، اهریمن برای تباهی نماد برکت خداوند یعنی گاو نر، فرستاده است و بیضه گاو به‌عنوان سرچشمه حیات مورد حمله عقرب قرار می‌گیرد. (کومون، ۱۳۹۳: ۱۳۸) هینلز این نظریه کومون را با تشکیک رد می‌کند و معتقد است که این پیش‌انگاشت که مار نماد ابلیس یا اهریمن است به همان اندازه مورد تردید است که مار بر روی مهراب با سری تابان و دمی ماه‌گونه و در کنار زاغ و خوشه گندم ترسیم شده است و در صحنه‌های زایش از سنگ نیز وجود دارد ضمن اینکه تصویر مار بر روی پنج قلع کشف شده که به‌احتمال قریب به یقین مربوط به اعمال آیینی می‌تربایی بوده‌اند کاملاً غیر منطقی می‌نماید که مار بتواند نمودار نیروی زندگی بر روی اشیای آیینی مسلکی باشد ولی در نقش پر جسته‌های همان مسلک نیروی اهریمنی قلمداد شود. بر اساس نظر اشتارک^۱ نقوش موجود در تاور کتونی نمایانگر اشخاص و جانورانی نیست که از اساطیر ایران انتخاب شده باشند بلکه مجموعه‌ای از ستارگان و صور فلکی است؛ بنابراین تاور کتونی می‌تربایی نمایشی متصور از اسطوره ایرانی نیست بلکه تنها نقشه‌ای از ستارگان است. گاو نر، عقرب، سگ، مار، کلاغ، شیر و پیاله هر یک هم‌تا و نظیری در میان صور فلکی دارند که در زمان معینی از سال قابل رویت‌اند، گاو هم‌تای ثور، عقرب هم‌تای عقرب، سگ هم‌تای کلب اصغر، مار هم‌تای شجاع کلاغ هم‌تای غراب، شیر هم‌تای اسد و پیاله هم‌تای باطیه است. (اولانسی، ۴۶: ۱۳۸۰-۴۵) با توجه به اینکه در هیچ متن ایرانی اثری از می‌تربایی گاوکش وجود ندارد، برخی از پژوهندگان اصل نقش می‌تربا و گاو را اسطوره‌ای غیر زرتشتی انگاشته‌اند اما ارتباط معناداری بین دو آیین می‌ترباییسم و زرتشت با ستاره‌شناسی وجود دارد. در گات‌ها به ستارگان اشاره‌ای نشده است لیکن در اوستای متأخر اطلاعات مربوط به ستاره‌شناسی جا در قالب دیگری ظهور یافته است. امشاسپندان هفتگانه که در حکم دستیاران آور مزد هستند همانند هفت سیاره قلمداد شده‌اند. (کومون، ۱۳۹۳: ۱۸۸)

۲-۳- عدد هفت

اهمیت و تقدس برخی از اعداد در آیین‌ها و ادیان جهان جزو عناصر اسرارآمیز و پرمزوراز است. از میان اعداد، عدد هفت نزد اقوام جهان باستان از قداست خاصی برخوردار بوده است. کهن‌ترین قومی که به عدد هفت توجه ویژه‌ای داشته‌اند قوم سومریان بوده‌اند. (معین، ۱۳۶۴، ج ۱، ۲۵۳) این اهمیت در آیین مهر بسیار بیشتر مشهود است که مفاهیم نمادین این عدد، بخش عظیمی از آموزه‌ها و تعلیم این آیین را در بر گرفته است که به برخی از این هفتگانه‌های مقدس در آیین مهر اشاره می‌شود.

وجود معبدی که دارای هفت محراب است و مهر کوه‌ای که سطح موزائیک شده راهروی مرکزی آن هفت را نشان می‌دهد ناظر بر هفت مقام مهری دینان بوده است (ورمازن، ۱۳۸۳: ۱۸۸-۱۹۲).

روح هنگامی که از آسمان به جهان نزول می‌کند هفت بار می‌آید تا آمادگی هبوط را پیدا کند. (کزازی، ۱۳۷۹: ۷۶) در اسرار می‌تربا، نردبان آیینی، هفت پله داشت و هر پله از فلزی خاص ساخته شده بود نخستین پله، سربی بود که با آسمان سیاره کیوان (زحل) مطابقت داشت، دومین پله رویین (زهره) سومین پله برنجین (مشتری، ژوپیتر) چهارمین آهنین (مارس، مریخ) پنجمین از فلز ممزوج مسکوکات (عطارد، مارس) ششمین سیمین (ماه) و هفتمین زرین (خورشید) بود. (الباده، ۱۳۷۱: ۱۱۰)

روح برای بازگشت به آسمان و رسیدن به آرامش ابدی در مسیر خود به ناچار باید هفت بار بیاید (کزازی، ۱۳۶۹: ۱۳۹)

مهریان روز هفتم هفته را مقدس می‌شمردند و دارای هفت درجه یا مرتبه بودند. (ورمازن، ۱۳۸۶: ۵) در آیین زرتشتی، قداست و اهمیت عدد هفت در مفاهیم نمادین دیگری ظهور و تداوم یافت. در این آیین بالاترین مراتب پس از جایگاه اهورامزدا از آن امشاسپندان است که تعداد آنان هفت بوده که در حکم دستیاران آور مزد هستند و همانند هفت سیاره قلمداد شده‌اند. (ورمازن، ۱۳۸۳: ۱۸۸) اوشیدری می‌گوید: پارسیان هفت آتشکده معتبر به عدد هفت کوکب سیار داشته‌اند و نام‌های آن‌ها بدین قرار بوده است:

آذر مهر، آذر نوش، آذر بهرام، آذر آیین، آذر خرین، آذر برزین، آذر زرتشت. (اوشیدری، ۱۳۷۱: ۶۳)

رسومی مثل «هفت‌سین نوروژی» که بسیاری هفت سیاره (هفتان) را در امر تقدس این عدد مؤثر دانسته‌اند هر هفت‌سین آن به‌منزله جلب خوشبختی است در این آیین علاوه بر هفت امشاسپند، هفت آتشکده مقدس که به آن‌ها اشاره شد، هفت عامل شامل (سردیوان، هفت ستاره، هفت آسمان، هفت اقلیم، هفت دریا، هفت کوه، هفت شبانه‌روز) بر بودن وجود زرتشت در خرد اهورامزدا تأکید دارد. (حسن زاده، ۱۳۸۶: ۱۹۶-۱۹۷)

۲-۴- طی طریق به مراتب و مقامات

آیین مهر همچون بسیاری از آیین‌ها و مکاتب دینی برای رشد و تکامل پیروان خود منازل و مقاماتی را تعیین کرده است. طی نمودن این مقامات به‌مثابه کسب درجه و به‌صورت صعودی است. برای ارتقاء به درجه بالاتر لازم است فرد در منزلگاه قبلی وظایف و مناسک مربوط را به‌خوبی انجام دهد. طی هفت مقام لازم است تا انسان در متیروپرستی بتواند به تکامل برسد. آن‌طور که از ظواهر برمی‌آید داوطلبی که می‌خواسته وارد جمع مهرپرستان بشود می‌بایست مدت زمانی «نوآموز» بشود و تعلیمات خاصی را فراگیرد تا آماده مراسم بزرگ بعدی شود و نوآموزان موظف بودند به مرشد و پیر جماعت مراجعه کنند اما قدر مسلم این است که طبقه متوسط مهری‌ها در سلسله‌مراتب شعائر و مراسم ترفیع مرتبه نمی‌یافتند و علتش هم این بود که اینان جدیت بسیار در راه خدمت به پروردگار خود به خرج نمی‌دادند یا اینکه معلومات لازم و یا ثروت کافی برای عبور از مراحل تکامل را نداشتند (ورمازن، ۱۳۹۳: ۱۶۷-۱۵۶)، مراحل هفتگانه آیین مهری پیوند عمیقی با نجوم و ستاره‌شناسی دارد و در باور میترا پرستان روح انسان علوی است و متعلق به فلک اعلی است که آسمان هشتم و جایگاه میتراس است. همان‌طور که میتراس از هفت‌سپهر سیارات یا اختران آسمانی که هر یک جایگاه خدایی ویژه است به زمین هبوط کرده است لذا فرد مؤمن نیز باید با انجام رسانیدن هفت مقام، روحش را نجات داده و دوباره با میتراس وحدت یابد. (امینی، ۱۳۹۶: ۲۲)

راز آلودگی و سری بودن این آیین، جزئیات، مضمون‌ها و آموزه‌های مرشدان و نحوه فراگیری و تربیت نوآموزان را در پرده‌ای پر از ابهام قرار داده است.

سوگند یاد کردن، خال‌کوبی روی پیشانی، انجام آزمایش‌ها و امتحانات اسرارآمیزی که از نقوش و کتیبه‌ها بجا مانده است همه از رموز و اسراری حکایت می‌کند که تاکنون کشف آن بر ما معلوم نشده است.

در دین زرتشتی نیز بنا بر متون مقدس اوستایی از هفت مقام و پیشوا یاد شده است. این هفت مقام روحانی که در ونیدداد (فرگردها بندهای ۵۸-۵۷) و ویسپرد (کرده سوم) یاد شده به هنگام انجام مراسم دینی هر یک به پیشوایی زئوتر^۱

^۱-Zaoter

که در رأس هفت پیشوا قرار دارد مصدر کاری و بخشی از امور مراسم برگزاری دینی هستند. (آصف آگاه، ۱۳۹۰: ۲۳) اهورامزدا صاحب شش نیروی سپننه بزرگ است که آنان را به صورت مجزا آفریده و باین حال جزئی از وجود او هم هستند، این شش مینو با مزدا یک «سبعه الهی» می‌سازند. (بویس و دیگران، ۱۳۸۸: ۲۴) با توجه به اینکه هفت صفت پسندیده روشنایی، راست‌گویی، کمال، نیکی، قدرت، امانت و احترام به دیگران برگرفته از سبعه الهی با صفات انسانی مشترک‌اند به نظر می‌رسد برای طی طریق و رسیدن به کمال، اتصاف به این صفات برای یک مؤمن زرتشتی ضروری باشد، خاصه آنکه برخی از ایزدان نیز در اوستا به این صفات مشهورند.

به نظر نگارنده تنگناها و موانعی برای تشریف به در آیین مهری و زرتشتی وجود داشته است یکی از این تنگناها طی طریق و رسیدن به مقام عالی بوده است که این موضوع در آیین مهری به صورت منسجم‌تری بروز کرده و در حال باعث افول تدریجی این آیین‌ها گردیده است.

۲-۵- روح و باور به زندگی پس از مرگ

در آیین مهر باور به زندگی پس از مرگ و ادامه جوهره زندگی در جهان پسین و پاداش نهایی وجود داشت. بر آن بودند که روان‌های بی‌شمار در فضا و آسمان‌ها مأوا دارند. برای ادامه زندگی در زمین این روان‌ها به کالبد آدمیان حلول می‌کردند که یاوری دیوان را کنند یا با زیانکاران و دیوان پیکار نمایند. (کومون، ۱۳۹۳: ۱۴۴) رهروان میتراپی اعتقاد داشتند که روح در تن جانوران نیز می‌رود و معتقد بودند روح انسان از یک ستاره ثابت برآمده است و از راه فضای سیاره‌ها به زمین آمده است. وظیفه انسان پس از هبوط در زمین این بود که به گونه‌ای زندگی کنند که پس از مرگ شایسته بازگشتن به ستاره خود باشند، از این رو میترا از طریق مراحل هفتگانه و نمادین تشریف، باقی ماند، روح بایستی پس از مرگ از راه سیاره‌هایی که گردش آن‌ها تغییر می‌کند به فلک ثوابت به منطقه جاودان بالا برود و به ستاره‌ای بازمی‌گشت که خانه او بود. (مرکلباخ، ۱۳۹۴: ۲۸۳) بر طبق دیانت زرتشتی پس از مرگ انسان، روح تا سه روز در محل مرگ باقی می‌ماند. در این سه روز، اگر مراسم و تشریفات مربوطه به عمل آید، ایزد سروش از روح محافظت می‌نماید و در غیر این صورت روح مورد طعنه و تهدید دیوان که در آنجا جمع هستند قرار می‌گیرد. در طلوع روز چهارم روح به پل چینوت می‌رود و در حضور سه ایزد یعنی مهر، رشن و اشتاد اعمال وی مورد سنجش قرار می‌گیرد. گذشتن از روی پل بستگی به اعمال خوب و بد انسان دارد. (کای بار و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۳۷)

۲-۵- آخرالزمان و قیامت

بر اساس اعتقاد دین مهری هنگامی که میتراس پس از مراسم شام مقدس به آسمان صعود کرد ارتباط وی با دنیای مادی خاتمه نمی‌یابد، بلکه در عالم بالا نیز به کسانی که به او اعتقاد دارند کمک می‌کند و در دنیای دیگر روح آنان را برای انجام دادن از هفت طبقه آسمان تا طبقه هشتم که مقر نور و آرامش است کمک می‌کند. برای بالا رفتن از این طبقات لازم است که ارواح تدریجاً سبک شوند و برای این کار خود را از پوشش جسمانی و هوی و هوس آزاد سازند. چنین عملکردی تا روز قیامت ادامه خواهد داشت، در روز موعود یا قیامت میترا باز به روی زمین بازمی‌گردد و تمام مرده‌ها را زنده خواهد کرد و خوبان را از گناهکاران مجزا خواهد نمود و گاو بسیار اعلی را که در آن موقع پدیدار خواهد شد قربانی خواهد نمود و چربی آن را با شیره مقدس هومه مخلوط کرده به نیکوکاران خواهد داد و آن‌ها به این طریق جاویدان خواهند شد و اهریمن و طرفدارانش در آتش خواهند سوخت. (شارل پوش ۱۳۴۶، ج ۲، ۱۵۰-۱۴۸)

آیین زرتشتی نیز بر آن است که اهورامزدا، زرتشت را برای نجات و ارشاد بشریت مبعوث کرده است. وی در سراسر گات‌ها نغمه امید می‌نوازد و آرزو می‌کند که به‌زودی شاهد انتهای دور زمان شود در آن روز است که اهورامزدا سراسر نیروی حق را علیه باطل به‌کاربرده و کشمکش نهایی بین خیر و شر به پایان خواهد رسید. (حکمت، ۱۳۸۷: ۱۷۳) اعتقاد به اینکه دنیا روزی به پایان خواهد رسید و دنیای پس از مرگ به‌عنوان تداوم حیاتی در شکلی دیگر که برگرفته از حس جاودان خواهی بشر است در دو آیین مهری و زرتشتی ظهور یافته است و شباهت مهمی که در این مطلب وجود دارد نقش همسان میترا در آیین مهر و ایزد مهر در آیین زرتشتی است گویی اینکه هر دو یک ایزدند در یک آیین، بر اساس اعتقادات مهری، میتراس در قیامت، خوبان را از گناهکاران مجزا می‌کند و به نیکوکاران شیره گیاه «هئومه» می‌دهد در آیین زرتشت ایزد مهر در روز قیامت به همراه دو ایزد دیگر به سنجش اعمال و مجزا کردن نیکوکاران از گناهکاران می‌پردازند.

۲-۶- خیر و شر

در آیین میترا مفاهیم خیر و شر وجود دارد، میترا همواره با عنصر شر در نزاع است و از نیکی‌های خلقت و آنچه مربوط به اورمزد است طرفداری می‌کنند. وی مانع ویرانی دنیا در برابر طوفان می‌شود، اگر خشک‌سالی شود تیری از کمان خود پرتاب می‌کند و آب از زمین می‌جهد و وقتی طوفان نوح می‌رسد، میترا کشتی بزرگ برای نجات بشر می‌سازد. در نقشی دیده می‌شود که در اسطبل حریق رخ داده و میترا مشغول نجات دادن مخلوق «خدای خیر» از حریق است. (شارل پوش، ۱۳۴۶، ج ۲، ۱۴۷)، همان‌طور که ذکر شد اغلب نمادهای شر، شامل حوادث و طغیان‌های طبیعت است که خود را در مظاهر طوفان، آتش‌سوزی و خشک‌سالی نشان می‌دهد. شاید بتوان گفت که دعای شاه هخامنشی بر کتیبه بیستون که از اهورامزدا می‌خواهد سرزمینش را از دروغ، دشمن و خشک‌سالی محفوظ نماید، ناظر بر تعاریف مظاهر شر در آیین میترا باشد، طرفداری از اورمزد، جلوگیری از تخریب دنیا و رساندن آب به زمین تشنه و نجات مردم در برابر این حوادث طبیعی نیز نمادهای از مفاهیم خیر محسوب می‌شود.

در عقاید زرتشتی، خداوند خیر محض و آفریدگار هر دو جهان مادی و معنوی است و به‌هیچ‌وجه مسئول بدی‌هایی که آفرینش مطلق او را می‌آزارد نیست از طرفی خداوند توانا مطلق نیز محسوب نمی‌شود چون شر توانایی‌های خدا را محدود کرده است و بر آنچه او خلق کرده است حمله می‌برند. خیر و شر، خدا و اهریمن در پندار زرتشتی مانند روشنی از تاریکی متمایز است. بر اساس متنی [پهلوی] در خصوص خیر و شر آمده است: بی‌شبهاتی خیر و شر، روشنایی و تاریکی و دیگر جوهرهای متضاد به خاطر یکی از آن دو نیست، بلکه به خاطر اصل آن است این مسئله را می‌توان از این حقیقت دید که ماهیتشان باهم ترکیب نمی‌شود و متقابلاً ویرانگرند و درجایی که نیکی است احتمال وجود اهریمن نیست و درجایی که روشنایی وارد می‌شود تاریکی رانده می‌شود. (هینلز، ۱۳۹۳: ۶۷-۶۶)

۲-۷- منجی موعود

همان‌طور که در بالا ذکر گردید، صعود و عروج میترا بدون هبوط نخواهد بود. این برگشت در روز قیامت به وقوع خواهد پیوست، بنا بر روایات ارمنی، میترا از زنی زاده می‌شود که در ضمن شاه و پسر خدا نیز هست که «شاه بزرگ» میتراست که از نو تجسم کرده است و در نقش منجی عالم در پایان زمان‌ها به دنیا می‌آید در این روایات، میترا در نقش منجی و نجات‌بخش جهان ظاهر می‌شود که در پایان زمان‌ها یا آخرالزمان به دنیا می‌آید تا حکومت عدل را در همه‌جا گسترش دهد، میترا پرستان به آخرالزمان و اینکه حرکت زمان دوری است معتقد بودند. در پایان هر دوره

آتش سوزی بزرگی رخ خواهد داد که با آن همه چیز نابود می شود اما پس از آن آفرینشی نو خواهد بود و میترای منجی، فرجام مصائب را قرین شادی می کند، اگر میترا در آغاز آفرینش بار حیات را بر دوش گرفت و قربانی کرد و میانجی شد در آخرالزمان نیز خویشکاری خویش را فراموش نمی کند و همچون یک منجی در نظام طبیعت دخالت می کند و این کار را با قربانی دیگری تجدید می کند. گو اینکه این آفرینش و خود به نابودی و انحلالی دوباره دچار می شود. (آصف آگاه، ۱۳۹۰: ۲۵)

در آیین زرتشت اعتقاد بر این است که تاریخ جهان دوازده هزار سال به طول می انجامد. آخرین دوره یعنی دوره شکست شر و ابدی، دوره ای است که با تولد زرتشت آغاز می شود لذا بر این اساس ما در آخرین دوره تاریخ زندگی می کنیم. آخرین دوره تاریخ خود به چهار دوره کوتاه تر تقسیم می شود و نماد هر یک از این دوره یکی از فلزات است. زرتشتیان در دوره سه هزارساله فرجامین منتظر ظهور سه منجی هستند که هر کدام هر هزار سال یکبار ظهور می کند. اوشیدر ناجی، نخستین منجی گسترده راست کاری است که از دوشیزه باکره و تخمه زرتشت هستی می یابد. در روایاتی اسطوره ای، تخمه زرتشت در دریاچه ای نگهداری و با فرا رسیدن هزاره، دوشیزه باکره پانزده ساله ای را که برای آب تنی به دریاچه می رود باردار می سازد. دومین ناجی آور شیدر ماه مانند سلف خویش از تخمه زرتشت که در دریاچه نگهداری می شود و دوشیزه ای که در این دریاچه تن می شوید هستی می یابد. سومین و آخرین ناجی سوشینانت است که چون ناجیان قبل از تخمه زرتشت و دوشیزه ای هستی می یابد و با پیدایش او پیروزی پر شر کامل خواهد شد. (هینلز، ۱۳۹۳: ۲۰۱-۲۰۱)

در موضوع منجی موعود او میترا و سه منجی آیین زرتشت هر یک به صورت اسطوره زاده می شوند ثانیاً ظهور منجی در دو آیین به صورت دوره ای است، بدین معنا که در آیین زرتشت در سه هزار سال فرجامین، در هر هزار سال یک منجی ولی در آیین میترا به صورت دوار و دوره ای، آفرینش احیاء و انحلال می یابد و در هر دوره فقط یک منجی که خود میترا است ظهور می کند.

۲-۸- آتش

اهمیت نقش آتش در زندگی بشر باعث گردید تا این عنصر در اساطیر و ادیان رخت قداست بر تن کرده و مورد کارکردهایی درزمینه آفرینش، تطهیر، عشق و ... گردد از این عنصر به نام های «آذر» و «آتی» نیز یاد شده است. در آیین مهر، آتشکده ها نام دارالمهر (خانه میترا) را با خود دارند، موضوع می تواند به این معنی باشد که آتش با میترا همانند گرفته می شود (دوشن گیمن، ۱۳۷۵: ۱۳۴) یکی از کارکردهای آتش در آیین مهری، مجازات گناهکاران و تطهیر درستکاران است. بر این اساس، چشمه ای آتشین، جهان هستی را خواهد سوزاند، در این آتش گناهکاران از میان خواهند رفت و نیکوکاران در این چشمه، آتش حمام پاک کننده خواهند یافت (اسماعیل پور، ۱۳۹۳: ۱۲۲) در آیین زرتشت، جایگاه آتش بسیار مهم و در مرتبه والایی قرار دارد شاید بتوان گفت که هیچ آیین و دینی نتوانسته است همچون آیین زرتشت به ترفیع مقام آتش بپردازد. تجلی خداوند به شکل نور و آذر، به منزله پسر اهورامزدا ستایش شده است (پور داود، ۱۳۸۰: ۱۲۷-۱۳۸) کارکردهای چندگانه و گاه متضاد آتش در آیین زرتشت همانند ثنویت و دوگانگی خود آیین زرتشت دربرگیرنده تفسیر و معانی متفاوتی از عنصر آتش شده است به طوری که طبق باورهای زرتشتی در جهان مینوی، اهورامزدا، دو گروه نیک و بد را با آذر فروزان پاداش و جزا می دهد (گاتها، ۴۷: ۶، ۵۱: ۹) قداست آتش در آیین زرتشت آن چنان است که نه چشم غیر زرتشتی و نه نفس پرستندگان نباید آتش را بیالاید. طبق کیهان شناسی مزدایی،

آتش از نور بی‌پایان نشئت می‌گیرد و سه عنصر مهم دیگر طبیعت شامل باد، آب و زمین را به وجود می‌آورد و این آتش است که مستقیماً بذر، دام و انسان را به وجود می‌آورد (دوشن، گیمن، ۱۳۷۵: ۳۳۷)

آتش‌های مقدس سه درجه دارند. مهم‌ترین آن‌ها آتش بهرام است که از ترکیب شانزده نوع آتش از جمله آتش حادث از رعدوبرق به وجود آمده و ستایش می‌شود و آتش بهرام باید همواره حتی در شب با شعله‌های درخشان بسوزد تعداد فراوانی از دو نوع آتش دیگر که عبارت‌اند از آتش آذران و آتش دادگاه وجود دارد در اعیاد، خواندن اوراد و ادعیه در معابد و آتشکده‌ها مرسوم است. در هر آتشکده جای مخصوصی برای انجام مراسم داخلی نماد و نیایش وجود دارد که پزیشن گاه نامیده می‌شود. (بویس، ۱۳۸۶: ۱۵۶-۱۵۷)

۳- ویژگی‌ها

۳-۱- راز آلودگی و ساده بودن

وجود نمادها، نقوش، کتیبه‌ها، انجام مراسم مذهبی در غارها و دل کوه‌ها و همچنین درجات تشریف، باعث شده است که ایزدشناسی میتراپی در هاله‌ای از مفاهیم پرمزوراز قرار گیرد. «متون آیین رازوی میترا نظامی با هفت مقام بود که در ارتباط استواری با خدایان سیاره‌ها قرار داشت. در واقع محفظه‌ای بود که همه عناصر کهن در آن با هم درآمیخته بودند (مرکلباخ، ۱۳۹۴: ۹۱).

شاید بتوان گفت در میان ادیان باستان هیچ آیینی همانند آیین مهر نتوانسته است برای پژوهشگران و اندیشمندان تاریخ و ادیان، تأویل و تفسیر بیافریند. نقش آفرینی مهر در سیر تاریخی خود از زمانی که در نظام چندخدایی، یک خدا بود و سپس در دین زرتشت پس از اهورامزدا بالاترین خدا قرار می‌گیرد و بعدها به عنوان میترای آیین‌های رومی، در بالاترین مرتبه خدایان می‌نشیند، پر از رمز و راز بوده و در واقع به دین رازها ملقب می‌شود. سری بودن این آیین، باوری بود که همه پیروان این آیین به آن معتقد بودند و همین نکته باعث عدم شناخت دقیق میترائیسم شده است. (کومون، ۱۳۸۶: ۵۵)

در آیین زرتشت از پیچیدگی و راز و رمزهای میتراپی خبری نیست، در این آیین اهورامزدا نام هستی‌بخش، سرور دانا و جان و خرد، معنا شده است. انسان می‌تواند با نیروی حواس خود جلوه‌های هستی را از طریق خرد آگاه، بشناسد. سادگی و مفاهیم مطلوب عموم همچون سه مفهوم معروف: پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک، دلالت بر وضوح و بی‌آلایشی این دین می‌کند.

در یسنای ۳۰، ۳ آمده است «در آغاز دو مینوی همزاد در اندیشه و گفتار و گردار نیک و بد با یکدیگر سخن گفتند. بنا به نظر بویس، انگره مینو، روان متخاصم، همراه با اهورامزدا که متضاد او بوده، در آغاز و همچون او ناآفریده وجود داشته است» بر این اساس بسیاری از محققان پیشگام بر این باورند که زرتشت ثنویت را آموزش داده است ثنویت با دو روان ناآفریده و ازلی، روانی نیک و روان شدید. (یاما اوچی، ۱۳۹۰: ۴۹۷) برخی صاحب‌نظران ثنویت در آیین زرتشت را برنمی‌تابند و معتقدند که ایزدان به‌عنوان واسطه میان اورمزد و مردم قرار دارند؛ اما نگاهی به جایگاه مهر در تاریخ قبل‌تر آن، چنانکه در ریگ ودا آمده است می‌تواند و ورونه دو ایزدند و دو به معنای یک زوج تصریح شده است که آنان دو بازوی انسان‌اند. وحدت آنان در عین دویی، یکی از نمونه‌های نقش مهمی است که تشبیه در تصورات دینی و اسطوره‌ای و فلسفی هندیان باستان و نیز هند و اروپائیان داشته است. در خط سیر اندیشه اینان گرایش بر آن است که دو جزء هر تشبیه همانند مرد و زن، شب و روز و غیره مکمل هم تلقی می‌شوند (یان، خندا، ۱۳۸۴: ۵۹-۶۰).

در آیین مهری التفات خداوند تنها شامل مردان می‌گردد. طرد یکی از اجناس دوگانه در آیین میترا، انحصاری مهرپرستان نیست. در برخی از مسلک‌ها مردان یکسره مطرودند و فقط زنان حق شرکت در آن را دارند. سالکانی که در مراسم دین مهری شرکت می‌کنند شیر نام دارند و زنان به کفتار موسومند. (ورمازرن، ۱۳۹۳: ۱۹۸) در آیین زوروانی که از آیین میتراپی وام‌پذیر آن بود، زن بنا بر اساطیر آفرینش، نقش شیطانی داشت به‌ویژه در آغاز بند هش بدن اشاره شده است. (کومون، ۱۳۹۳: ۱۷۷) اما در آیین زرتشت و در بند ۳۰ مهریشت آمده است:

«از توست که خانه‌های سترگ از زنان برازنده برخوردار است، از گردون‌های برازنده از بالش‌های پهن، از بسترهای گسترده، چنین لطفی از سوی ایزد مهر که رنگ تمتع زنان برای مردان و به‌نوعی نگاه ابزاری به زنان دارد قابل کتمان نیست. در کرده ۱۴ و بند ۶۵ نیز آمده است: مهر کسی که پسران بخشد، کسی که زندگانی بخشد، کسی که سعادت بخشید، در این متن داشتن فرزند پسر در کنار سایر نعمات و الطاف مهر همچون زندگانی و سعادت قرار گرفته است. نگاه منفی به یکی از اجناس دوگانه بشر در اندرنامه‌های باقی مانده، در واژه‌هایی چند از آذرباد مهر اسپندان که از مقدسان مزدایی - زرتشتی است و همچنین در وندیداد مشهود است» (کومون، ۱۳۹۳: ۱۷۷).

۳-۳ - محوریت مغان و روحانیون

در آیین میترائیسم متولیان امور دین که طبقه مغان را تشکیل می‌دادند. ضمن نفوذ و قدرت فراوانی که داشتند انحصار برخی از اعمال دینی را به خود اختصاص داده بودند. این انحصارطلبی گاهی باعث می‌شد تا آموزه‌های دینی را بنا بر اقتضای منابع خود مورد تفسیر و تأویل قرار دهند «مهر نیایش» و «قربانی کردن» از جمله اعمال دینی است که تحت انحصار و سیطره مغان صورت می‌گرفت. قربانی جزو درآمد مغان محسوب می‌شد که اجراکننده مراسم قربانی و تقدیم کننده حاصل از قربانی به بارگاه خداوندی جز مغ نمی‌توانست کسی دیگر باشد. در آیین میتراپی مغان وظیفه نیایش و ستایش را در هنگام برآمدن خورشید که موسوم به «مهر نیایش» است را به عهده‌دارند. (برقبنانی ۱۴۱)

طبق نظر پورفیری پژوهشگر آیین مهر، مغان به سه دسته تقسیم می‌شوند گروه اول معتقد به منع کشتن و خوردن هرگونه جاننداری بودند. گروه دوم از حیوانات استفاده می‌کردند اما از کشتن هرگونه حیوان اهلی خودداری می‌کردند. گروه سوم، مشابه سایرین گوشت همه نوع حیوان را نمی‌خوردند، علت این پرهیز، اعتقاد به «حلول روح متوفی در بدن انسان یا جانور دیگر» است که این باور به‌طور آشکاری به اسرار مهر مرتبط می‌شود. (پورفیری، ۲۰۰۰: ۱۱۲)

در آیین زرتشت، اقتدار و نفوذ مغان در دوره‌های مختلف اشکال خود را نمایان کرده است. در اوستا فقط یکبار کلمه «مغ» ذکر شده است و آن هم به‌صورت ترکیبی که در بند ۷ از یسنای ۶۵ آمده است در این بند به برخی از مردم آزاران نفرین شده است و از جمله به مغ آزاران (ذاکری، ۱۳۹۳: ۱۰۱)

در دوره مادها، مغان پیشوایی دین زرتشتی را عهده‌دار بودند. (هاردی، ۱۳۷۶: ۶۵) نفوذ و احترام مغان در جامعه زرتشتی آن‌چنان بود که در نزد ایرانیان هیچ چیز مشروع و دادگرانه نبود مگر آن‌که مغی آن روا کرده باشد. (هوار، ۱۳۷۹: ۱۷۶)

۳-۴ - ریاضت و رهبانیت

اگر نگاهی اجمالی به آموزه‌های ادیان مختلف بیفکنیم به‌ندرت آیینی با مکتبی را می‌توان یافت که در آن برای برخی از اعمال تحدید و ریاضت قائل نشده باشد، ریاضتی که غالباً بر تن تحمیل می‌شد و روح را متأثر می‌ساخت. در آیین

مهری نیز اعتقاد بر این بود که روح آدمی بخشی از وجود معبود است و با رضایت از سپهر اثر عبور می‌کند و سرانجام به آتش پاک مبدل می‌شود. برای تحقیق این امر، ریاضت تن را که باعث ارتباط و پیوستن روح به خدا است ضروری می‌دانستند. (فرخزاد، ۱۳۸۶: ۴۴) اصولاً مراتب هفتگانه در این آیین بر پایه ریاضت بنا شده است چراکه تا در یک مرتبه برخی از محدودیت‌ها و ریاضت‌ها توسط سالک صورت نپذیرد ارتقاء به مرتبه بالاتر امکان‌پذیر نخواهد بود. لذا رهبانیت و ریاضت در آیین مهری موجب توانمند ساختن افراد برای نگاهداری اسرار مکتوم بود. (رضی، ۱۳۸۳: ۱۶) و تعداد درجات و مراتب سلوک که فرد رهرو باید از آن می‌گذشت تا به بالاترین مرتبه برسد از هفت طبقه آسمان الهام گرفته شده بود که روان باید از آن می‌گذشت تا به زیستگاه خوش‌کامان و نیک‌بختان برسد. (کومون، ۱۳۸۶: ۲۱)

ایجاد مهرابه‌ها در دل غارها و اعماق زمین و همچنین اتخاذ روش‌ها و مناسک مربوط به هر یک از مراتب هفتگانه که توأم با حفظ شعائر، رعایت محدودیت‌ها، حفظ اسرار و ... است حاکی از ریاضت و رهیافتی است که شالکه و چارچوب این آیین را تشکیل داده است.

در آیین زرتشت از ریاضت و انجام سیر و سلوک آیین مهری خبری نیست بلکه وجود اعیاد و جشن‌های گوناگون صبغهای مفرح به زندگی پیروان این آیین می‌دهد.

در اندرزنامه پوریوتکیشان آمده است که نویسنده آن به احتمال زیاد زرتشت پسر آترپات ماریسپند وزیر شاپور دوم (۳۷۹-۳۰۹) است، از شبانه‌روز، یک‌سوم باید به فراگیری خرد، یک‌سوم به کار و آبادانی کردن و یک‌سوم به خوردن، رامش نمودن و آسایش کردن اختصاص یابد.

۳-۵- نیایش

آیین میتراپی درزمینهٔ مراسم نمازها و نیایش، کوشش فراوان و آدابی ویژه داشت و دارای کتاب‌های مقدس بود که راه و روش عبادت و نماز مجموعهٔ نیایش‌ها را برای پیروان مدون و ارائه کرده بود اما متأسفانه این کتاب‌ها همگی از میان رفته و نابود شده است. (کومون، ۱۳۸۶: ۱۵۳)

آیتینوفوس مجموعه نیایشگاه‌هایی را در سرزمین خود ایجاد کرد. در نیایشگاه خدای نیایشگاه فرمان می‌راند که دین‌دار ارشد نماینده او بود.

خدمت‌رسانی پرستشگاه‌ها در کوماژن بر عهده بردگان مقدس بود و بیش از همه «زنان خنیاگر» را دربر می‌گرفت. (مرکلباخ، ۱۳۹۴: ۷۹)

در اوستا، گزاره‌های دعایی نمود چشمگیری دارد. در گات‌ها آمده است:

«پیش از همه چیز خواستارم ای اشاکه و هومن و روان آفرینش را از خود خشنود سازم... ای مزدا اهورا و ای و هومن، به واسطه راستی، شکوه هر دو جهان به من ارزانی دارید از آن شکوه مادی و معنوی که دین‌داران را خرمی و شادمانی بخشد» (پورداد، ۱۳۷۷، گات‌ها: ۵)

در این دعا، زرتشت از اهورامزدا درخواست استجابت خواسته‌های خود و دیگران را دارد. مضمون نیایش‌ها و دعاهای موجود در اوستا اغلب برای خیر عموم و برکت اجتماعی است تا در- خواست‌های شخصی. به‌عنوان مثال طلب روشنائی، آبادی و خرمی برای گیتی در یسنا این‌گونه آمده است: «باید برای آبادانی جهان کوشید و آن را به‌درستی نگاهبانی کرد و به‌سوی روشنائی برد. (اوستا، یسنا، ۱۴۹)

در آیین زرتشت، مخاطب نیایش و دعا صرفاً اهورامزدا نیست بلکه ایزدان دیگر به‌عنوان واسطه در جایگاه اهورامزدا قرار می‌گیرند مثلاً خطاب به ایزد هوم شش دعا ذکر شده است «بهترین زندگی بهشت» برای پاکان تندرستی، زندگی

بلند، کامروا بودن و درهم شکستن ستیزه دروج، پیروزمند شدن در جنگ، بوی بردن و آگاه شدن از دزد و راهزن و گرگ، (پور داود ۱۳۷۷، گات‌ها: ۱۶۵۹) در داستان درخت آسوریگ که منظومه‌ای به زبان پارسی و خط پهلوی نگاشته شده و گفتمانی بین بز و درخت خرما است، این‌گونه برای نویسنده و کسی که دستور به نوشتن آن داده طلب دعا شده است: «او که این را نوشت او دیر زید و دشمنان گریان باشند و سر دشمنان مرگ بیند کسی که دستور داد این را نویسند و کسی که این نوشت هر دو دیر زیند در این گیتی و خوشنام و در آن جهان روانشان بوفتار باد، ایدون باد. (آبادانی، ۱۳۴۴: ۲۱۱) این نمونه‌ای از دعا در آثار دوران میانه است که برگرفته از اندیشه زرتشتی است.

بخش عظیمی از آموزه‌ها و باورهای آیین زرتشتی در قالب نیایش‌ها و دعاها ظهور یافته است نگاهی به یشت‌ها و یسنا مؤید این موضوع است که جایگاه ادعیه و نیایش‌ها در آیین زرتشت جایگاهی مهم و رفیع است.

۴- کارکردهای اجتماعی

۴-۱- مهر میانجی

پلوتارک می‌گوید: ایرانیان میترا را میانجی می‌نامند. در گاه‌شماری ایران کهن، میتراى خدا، در ماه‌ها و همچنین در روزها جای میانی را اشغال می‌کند روز شانزدهم از سی روز ماه، روز شانزدهم که نیمه دوم ماه از آن آغاز می‌شود مختص میترا است. (مرکلباخ، ۱۳۹۴: ۱۴۰) مهر علاوه بر واسطه بودن بین آفریدگار و بنده، نقش داوری را نیز عهده‌دار است.

مهر به همراه ایزد سروش و رشن در داوری بین روان‌ها در پل چینوت به داوری می‌نشیند و در جهان آخرت نیز نقش نظارتی بر عقوبت گناهکاران در دوزخ را دارد و با سرکشی هر روز سه بار از طریق گرداندن گرز خود بر بالای دوزخ، مراقب است که گناهکاران بیش از آنچه سزاوار بوده‌اند متحمل عذاب نشوند. (آموزگار، ۱۳۹۱: ۲۲)

۴-۲- مهر سوگند

ایرانیان به مهر سوگند می‌خوردند و در این باره گزارشی از پلوتارک در دسترس است که چگونه داریوش، شاه ایران به خدمتکار خود هشدار می‌دهد که راست بگوید و به او یادآوری می‌کند که برای وفاداری و انجام وظیفه به میترا سوگند یاد کرده است. (مرکلباخ، ۱۳۹۴: ۳۶) با توجه به اینکه پیمان و حفظ آن در نزد ایرانیان هند و ایرانی بسیار مورد اهمیت قرار داشته و نام ایزد مهر نیز در پیمان‌نامه صلح میان فرمانروای هیتی و پادشاه دست‌نشانده میتانی‌ها به‌عنوان ضامن گواه، نشان می‌دهد که نام مهر با سوگند و پیمان عجین شده است و دلیلی بر قدمت این کارکرد اجتماعی ایزد مهر است. در مهریشت، ایزد مهر به‌عنوان حافظ پیمان، نقش ایزد سوگند و ضمانت گواه را به‌خوبی حفظ کرده است.

۴-۳- مهر و خورشید

یکی از معانی واژه مهر، خورشید است. در اوستا از خورشید بنا هور (خور) یاد شده است رابطه نزدیکی بین معانی مهر و خورشید وجود دارد که موجد تداخل معانی شده است. میترا تجسم فروغ و روشنایی آسمان است و خورشید چراغ آسمانی، از این رو گاهی میترا را انوار خورشید نامیده‌اند. (آشتیانی، ۱۳۸۱: ۴۰)

در اوستا ایزد مهر بر گردونه‌ای با چهار اسب پیش از طلوع خورشید به سرزمین آریایی‌ها می‌تازد و آسمان را درمی‌نوردد. (رضی، ۱۳۸۳: ۲۷۱)

خورشید فروغ و روشنایی مهر است که یشت دهم مخصوص به اوست، مهر غیر از خورشید است ولی از زمان قدیم این دو به هم مشتبه شده‌اند. استرابون می‌نویسد که ایرانیان خورشید را به اسم مهر می‌شناسند. بعدها که مهر از آسیای صغیر به رم نفوذ نموده در آنجا مهر خورشید مغلوب نشدنی نامیده شده است. (پور داود، ۱۳۹۴: ۳۰۷)

۴-۴- مهر زمان

میترا خدای زمان و یا به سخنی دیگر خدای سال نامیده شده است. این نظر از آنجا نشئت گرفته است که نظام اعداد در زمان یونانی از ترکیب حروف الفبا پدید می‌آید، در علم نجوم تبدیل حروف یک نام به ارزش عددی آن بسیار مورد توجه بوده است. ارزش عددی نام ایزد میترا ۳۶۵ روز سال را به دست می‌دهد (نظیر حروف ابجد که در آن حرف نماینده یک عدد است) لذا میترا را با خدای زمان یکی دانسته‌اند. (مجید زاده، ۱۳۸۴: ۵۰)

در دین زرتشتی در اصل مفهوم زروان اکرانه یعنی زمان بی‌کرانه و ابدی وجود داشته که از آن تئوری‌های زوروان به‌عنوان بلندپایه‌ترین خدا در میترا پرستی نشئت گرفته است (ورمازرن، ۱۳۹۳: ۶۴۸).

۴-۵- فراوانی اسامی مهر و میترا

محبوبیت ایزد مهر [میترا] و گسترش و نفوذ آیین مهرپرستی دو عامل مهمی است که باعث شده است نام‌های فراوانی با ترکیب یا اشتقاق از نام این ایزد ساخته شده و جزو اسامی افراد گردد. رودیگر اشمیت^۱ طی پژوهشی با استفاده از دانش زبان‌شناسی اقدام به جمع‌آوری اسامی مشتقات و ترکیبات نام این ایزد در شکل باستان ایرانی آن [میترا] و یونانی آن [میتراس] نموده است. این اسامی در منابع ایلامی، آکوی، آرامی، لیدیایی، یونانی و لاتین و نیز در منابع پارسی باستان، اوستایی، هندوآریایی، مصری، فریگیه‌ای و تراکیه‌ای وجود دارند تعداد این اسامی ۲۷۱ فقره عنوان شده است که در قالب جدولی تدوین گردیده است. بسیاری از این اسامی در لوحه باروهای تخت جمشید و یا به‌عنوان نام پادشاهان به‌دست آمده است (اشمیت، ۱۳۸۵: ۴۴۲-۴۴۳) اما بسیاری از اسامی مذکور در فرهنگ و زبان فعلی ایران قابل استفاده و موسوم هستند که به‌عنوان نمونه می‌توان به این اسامی اشاره کرد: مهرنوش، مهران، مهربان، مهرداد، مهرگان و مهرک صرف نظر از اینکه اسامی‌ای مانند مهرگان، مهریشت، مهر نیایش حاکی از تأثیر و نفوذ ایزدمهر در آیین زرتشت است. برخی اسامی خاص نیز مؤید این مطلب خواهد بود:

وزیر دانشمند یزدگرد اول، مهرنوش پسر اسفندیار است که در جنگ بین اسفندیار و رستم کشته شد، مهران یکی از خاندان‌های هفتگانه عصر ساسانی، مهر آگاوید موبد مشهور عهد ساسانی، مهربان کیخسرو مؤلف قدیمی‌ترین نسخه اوستا، مهرداد، اسم سه نفر از پادشاهان ساسانی، مهرکوشا (طوفان آینده که جهان را ویران و مخلوقاتش را نابود می‌کند) مهرک به معنی مرگ نابهنگام، مهر اردشیر از جمله این اسامی‌اند که به‌خوبی می‌توان جایگاه رفیع ایزدمهر را در آیین زرتشت و محبوبیت وی را در میان مردم نشان داد. البته باید این نکته را در نظر داشت که محبوبیت و فراگیری نام‌هایی که با نام ایزد میترا در غرب و شرق ایران ساخته می‌شدند لزوماً به دلیل مهرپرستی نبوده بلکه نشان می‌دهند که ایزد مهر نه رسماً مطرود شده بود و نه در میان مردم محبوبیت خود را از دست داده بوده است. (اشمیت، ۱۳۸۵: ۴۴۲).

۴-۶- جشن مهرگان

جشن مهرگان از جمله رسوم مرتبط با ایزد مهر است که در روز مهر از ماه مهر برگزار می‌گردید. این مراسم با ورود به آیین زرتشت تاکنون شکل و شمایل خود را تا حدی در نزد برخی از اقوام ایرانی حفظ کرده است. در گذشته این

^۱Rodiger schinit

جشن در یک روز، روز شانزدهم از ماه مهر برگزار می‌شد و جشن مهرگان نیز مانند دیگر جشن‌ها دچار تغییراتی شد و آن را از شانزدهم تا بیست و یکم مهرماه و به مدت شش روز جشن می‌گرفتند. (مزدای پور و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۹۰).

جشن مهرگان از لحاظ اهمیت پس از نوروز قرار دارد. نوروز آغاز سال جدید است و مهرگان آغاز فصل زمستان. به استناد گزارشی که پروفیسور مری بویس از یک روستای زرتشتی به نام مزرعه کلانتر، در استان یزد ارائه داده است در جشن مهرگان قربانی صورت می‌گیرد و گوشت قربانی را در کنار شیرینی و سبزی نهاده شده و افراد به صورت دسته‌جمعی به خواندن سرودها و نیایش‌های خاص خورشید و مهر به گره زدن و گره گشودن و بستن و باز کردن طناب مقدس خود یعنی «کستی» می‌پردازند. به نظر خانم بویس، مهرگان در اصل جشن پاییزی است که زمان شکرگزاری برای سالم ماندن محصولات است و چه بسا علت قربانی کردن حیوان نیز همین بوده است.

عناصر اصلی جشن شامل: پرستش مهر، قربانی خونین برای او و اهدای نذرها و دهش‌ها به وی از محصولات کشاورزی است این عناصر احتمالاً به روزگار کهن تعلق دارند و چه بسا در روزگاری بسیار کهن تر از دوره هخامنشیان نیز عناصر اصلی و کانونی جشن را تشکیل می‌داده‌اند اما اکنون نیز فشارهای سده بیستم به همان شیوه برای حفظ و برگزاری این مراسم سنتی احساس می‌شود. (بویس، ۱۳۹۳: ۱۷۷-۱۷۹-۱۸۵)

۷-۴- قربانی کردن

در آیین میترای رومی که بی‌تردید از ایران به روم انتقال یافته است قربانی کردن گاو نر به‌عنوان اسطوره مرکزی آیین میترا سرمنشاء پیدایش جهان محسوب می‌شود. از پاره‌های تن گاو کشته شده گیاهان می‌رویند، در بیشتر سنگ‌نگاره‌ها میترا از دم گاو نخستین دانه‌های غلات رشد می‌کنند، در یک صحنه در رم، خونی که از زخم‌ها روان است به خوشه غله تحول می‌یابد. تاک نیز از خون گاو قربانی ریشه گرفته است. منی گاو نر به ماه داده می‌شود و در نور او پاکیزه می‌گردد. (مرکلباخ، ۱۳۹۴: ۲۲۵)

در آیین مهر، علاوه بر خوردن گوشت گاو به همراه گیاه هوم، خون گاو نیز نوشیده می‌شد چون «مهری‌ها سخت معتقد بودند که استعمال گوشت و خون گاو، موجب حیاتی نوین می‌شود. درست به همین سیاق که حیاتی نو از خون گاو می‌جهد، میترا گاو را قربانی می‌کند تا رهروانش بتوانند گوشش را بخورند و خونس را بنوشند» (ورمازرن، ۱۳۹۳: ۱۰۷)؛ اما در منابع اوستایی و پهلوی نه تنها از میترا به‌عنوان کشته گاو اشاره‌ای نشده است، بلکه برعکس او حامی گاو شمرده شده است. زرتشت می‌گوید هرگز نباید حیوان قربانی کرد چون اهورامزدا در آن حلول می‌کند. برای عمق این مقصود، زرتشت با مراسم قربانی کردن مهری‌ها مخالفت ورزید و فدیة کردن گاو را ممنوع ساخت. (رضی، ۱۳۸۱، ج ۱۱، ۲۵۱-۵۳)

باین وجود باز به منابعی برمی‌خوریم که کشته شدن گاو را به اهورامزدا و سوشیانت منتسب کرده است. بر اساس عقاید زرتشتیان بعد از سه قربانی، یعنی فشردن هومه نخستین، ذبح گاو نر نخستین و کشتن انسان نخستین چرخه، هستی به حرکت در آمد. (هنوی، ۱۳۷۴: ۲۶۷) علاوه بر این در بندهش که تفسیری از اوستا است آمده است که: «عمل کشتن گاو مقدس را اهورامزدا انجام می‌دهد، پیکار با گاو نخستین آفریده گاوی که در آغاز توسط اورمزد آفریده شده پیش از آنکه خلقت آدمی حادث شده باشد که از کالبد او که در حالت احتضار است گیاهان سودمندی می‌روید که بسیط زمین را می‌پوشاند، از نخاع آن گندم و از خون وی درخت انگور می‌روید تا نوشابه مقدس پدید آورد» (رضی، ۱۳۸۱: ۳۰۶، ۵۹۷).

دین مهرپرستی همانند بسیاری از ادیان و مذاهب دیگر دارای رسوم و آیین‌هایی بود که پیروان ملزم به اجرای آن‌ها بودند. ورود و تشریف، مراسم مقدس و قربانی و اهدای نذور جز با اجرای مراسم و آداب آن ممکن نبود. از جمله این آداب مراسم غسل بود که باید انجام می‌شد. مهردینان جهت انجام فرایض دینی و شرکت در مراسم مذهبی، لازم بود تا به مدت سه شب و سه روز به تناوب شستشو و غسل می‌کردند و بیست ضربه تازیانه به خود می‌زدند و این هر دو برای پاکی از آلودگی‌های گذشته انجام می‌شد آنگاه برای بار دوم لازم بود تا دو شب و در روز مراسم شستشو و غسل به‌جا آورده و بیست ضربه تازیانه متحمل می‌شدند، آنگاه به‌صورت شایسته‌ای قادر می‌شدند در مراسم سرایش ادعیه دینی موفق شوند. (رضی، ۱۳۸۱ ج ۱، ۱۵۶). بعد از اتمام فرایض نظیر غسل و تطهیر و مدتی روزه گرفتن و امساک کردن نوآموز، به پایان محنت امتحانات می‌رسد. (ورمازن، ۱۳۹۳: ۱۶۴)

در آیین زرتشت، زرتشتیان در سرتاسر زندگی از تولد تا مرگ و بعدازآن بر رعایت انجام طهارت و پاکی بسیار جدی و سختگیرند. (آلن ویلیامز، ۱۳۸۸: ۷۶) مراسمی بسیار پیچیده و گسترده میان موبدان و مؤمنان پیرو، جهت دیو زدایی و بیرون راندن دیو یا دیوان و شیاطین و تطهیر دیوزدگان برگزار می‌شد و گاه تا چند شبانه‌روز به طول می‌کشید. مراسم غسل با گومیز، (ادرار گاو) خاک و آب در مراحل مختلف برگزار می‌شد تا تطهیر و پاکی حاصل شود. مورخان رومی از مراسم تعمید زرتشتیان سخن گفته‌اند بدین معنی که پس از چند روز از زمان تولد، کودک را برای مراسم تعمید و نام‌گذاری و زایش جدید به پرستشگاه خورشید یا مهرابه می‌بردند. در مهرابه برابر آتش و آدریان که نماد خورشید بود کاهن معبد، کودک را در حوضچه‌ای غسل می‌داد و طی مراسمی برایش نام‌گذاری می‌کردند. (رضی، ۱۳۸۱، ج ۲، ۵۲۵-۵۲۴-۵۲۱-۵۲۰). در معابد مهری مراسم قربانی بسیار خشن برگزار می‌شد. صفحه‌ای بزرگ که مشبک و پنجره دار به روی سردابه قرار داده و نوآموز سالکی که مراسم تشریف را می‌گذرانید در سردابه و زیر پنجره به شکلی نمادین می‌خوابید، سپس گاو را قربانی می‌کردند و خون به روی نوآموز سالک می‌ریخت. تدهین یا غسل نمادین با خون قربانی سابقه‌ای طولانی در تاریخ دارد. بنابر باورهای برخی از اقوام ابتدایی، خون تحرک و نیروی آدمی را پرتوان می‌ساخت و عکسی که بدن خود را بدان آغشته می‌کرد و یا می‌پاشید و یا می‌نوشتید نیروی حیوان قربانی شده یا توتم قومی را به خود منتقل می‌کرد. (کومون، ۱۳۹۳: ۱۸۷)

۵- نتیجه‌گیری

آیین مهر به علت قدمت تاریخی و تأثیر بسیاری از ادیان جهان که جلوه‌های این اثرگذاری در بافت‌های فرهنگی و اجتماعی جوامع تحت سیطره جغرافیایی خود مشهود است از اهمیت والایی برخوردار است. یکی از ادیان تأثیر پذیرفته، آیین زرتشت است؛ به‌طوری‌که برخی از آموزه‌ها، ویژگی‌ها و کارکردهای اجتماعی تحت تأثیر مهرپرستی تغییر و تحول یافته است. مهرپرستی و دین زرتشتی وجوه اشتراک و همانندی‌های بسیاری داشتند نام بردن از ایزدمهر در متون مذهبی زرتشتی و متصف شدن این ایزد به صفات مقبول و محبوب آیین زرتشت، هرگونه تشکیک و تردید را پیرامون عدم تأثیرپذیری و یا عدم رعایت رسوم و برخی از مناسک دین زرتشت از مهرپرستی نفی می‌کند

انطباق دو آیین مهرپرستی و زرتشتی از منظر ویژگی، آموزه و کارکردهای اجتماعی منتهی به سه نتیجه مهم خواهد گردید اولی اینکه هیچ دین و مکتبی نمی‌تواند مستقل و بدون وام‌گیری از شعایر و آموزه‌های سایر آیین‌های مذهبی بر

اساس نیازها و زمان‌ها تطور یابند دوم اینکه آیین زرتشت در بسیاری از آموزه‌های خود، مهرپرستی را الگوی خود قرار داده است سوم اینکه اغلب کارکردهای اجتماعی، آداب و رسوم متجلی در فرهنگ یک جامعه رابطه معناداری با آموزه‌های دینی حاکم یا آیین‌های مذهبی گذشته آن جامعه دارد جشن‌های نوروز و مهرگان و همچنین مراسم اعیاد و آداب مرسوم در جامعه ایران نمونه‌هایی از این مقوله می‌باشند.

۶- منابع

- آبادانی، فرهاد (۱۳۴۴). درخت آسوریک «نشریه دانشکده ادبیات اصفهان، سال دوم، شماره ۲ و ۳، صص ۲۰۷ تا ۲۱۳.
- آورزمانی، فریدون (۱۳۹۷). آیین مهر در اسطوره و تاریخ و سیر تحول آن در شرق و غرب، مجله ششم شماره ۲۲.
- آشتیانی، جلال‌الدین (۱۳۸۱). زرتشت (مزدیسنا و حکومت)، چاپ هشتم، نشر شرکت سهامی، تهران.
- آصف آگاه، سیدحسین (۱۳۹۰). "درآمدی بر مهر پرستی و میترائیسم" راز و رمزهای آیین میترا.
- آموزگار، ژاله (۱۳۹۱). تاریخ اساطیری ایران، چاپ ششم، انتشارات سمت، تهران.
- ایاز، حمید (۱۳۹۵). خرفستران در اندیشه ایرانیان بر اساس اوستا، متون پهلوی و شاهنامه و نشریه ادبیات عرفانی و اسطوره شناختی دوره ۲ شماره ۴۴.
- اسماعیل پور، ابوالقاسم (۱۳۹۳). اسطوره، بیان نمادین، انتشارات سروش، تهران.
- اشمیت، رودیگر (۱۳۸۵). "پارت و میترا پرستی ارتش روم" دین مهر در جهان باستان (مجموعه گزارش‌های دومین کنگره بین‌المللی مهرشناسی ترجمه مرتضی ثاقب فر، نشر توس، تهران.
- امینی، علیرضا (۱۳۹۶). نگاهی به تاریخ از عهد باستان تا انقراض سلسله پهلوی نشر صدای معاصره.
- الیاده، میرچا (۱۳۷۲). رساله در تاریخ ادیان، ترجمه جلال ستاری، نشر سروش، تهران.
- الیاده، میرچا (۱۳۶۵). مقدمه بر فلسفه ای از تاریخ، ترجمه بهمن سرکاراتی، نشر نیما، تبریز.
- اوشیدری، جهانگیر (۱۳۷۱). دانشنامه مزدیسنا، نشر مرکزی تهران.
- اولانسی، دیوید (۱۳۹۶). پژوهشی نو در میترا پرستی، ترجمه و عقیق مریم امینی، تهران نشر چشمه.
- باقری، مهری (۱۳۸۹). دین‌های ایران باستان، چاپ چهارم، نشر، قطره تهران.
- برقیانی، زهرا (۱۳۸۳). «بررسی ادیان ایران باستان، با تاکید ویژه بر آیین میترائیسم» مجله تاریخ پژوهشی شماره ۱۸ (۱۳۶-۱۵۰).
- بویس مری (۱۳۸۶). "دیانت زرتشتی در دوران متاخر" دیانت زرتشتی، ترجمه فریدون وهمن نشر جامی، تهران.
- بویس، مری (۱۳۸۸). جستاری در فلسفه زرتشتی «مجموعه مقالات» ترجمه سعید زارع و همکاران، تهران.
- پور داود، ابراهیم (۱۳۷۷). گات‌ها، تهران، اساطیر.
- حسن زاده، آمنه (۱۳۸۶). جایگاه اعداد در فرهنگ مردم ایران با تاکید بر اعداد هفت و چهل، مجله فرهنگ مردم ایران شماره ۱۰.
- حکمت، علی اصغر (۱۳۸۷). تاریخ ادیان، انتشارات پژوهاک، تهران.
- خندانیان (۱۳۸۴). "میتره در هند" ترجمه عسگر بهرامیاز، مجموعه مقالات مهر در ایران و هند باستان، انتشارات ققنوس، تهران.
- دوشین گیمن (۱۳۸۱). دین ایران باستان، ترجمه رویا منجم ج ۱ تهران.

- ذاکری، مصطفی (۱۳۹۳). «مغان و نقش آنان در فرهنگ ایرانیان زمین» مجله معارف دوره هفدهم، شماره ۳ (۱۳۰-۱۰۱).
 رضی، هاشم (۱۳۸۱). دانشنامه ایران باستان، عمر اوستایی تا پایان دوره ساسانی ج ۴ نشر سخن، تهران.
 شارل پوشه، هانری (۱۳۴۶). تمدن ایرانی و ترجمه عیسی بهنام بنگاه ترجمه و نشر کتاب تهران.
 کای بار و دیگران (۱۳۸۹). دیانت زرتشتی، مترجم فریدون وهمن نشر ثالث، تهران.
 کزازی، میرجلال الدین (۱۳۶۹) آیین و فرهنگ راز مهر آمیز (مجموعه مقالات پیرامون شاهنامه) به کوشش مسعود رضوی، جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران، تهران.
 کومون، فرانتس (۱۳۸۶). دین مهری، ترجمه احمد جودانی، نشر ثالث، تهران.
 کویر، جی سی (۱۳۸۰). فرهنگ مصور نمادهای سنتی، ترجمه ملیحه کرباسیان، نشر فرشاد، تهران.
 مجیدزاده، محسن (۱۳۸۴). آیین های باستانی و یادی از آیین های شکوهمند ایران باستان در دیار قبرستان، چاپ دوم، پژوهش های فرهنگی، رشت.
 مرکلیاخ، راینهولد (۱۳۹۴). میترا آیین و تاریخ ترجمه توفیق گلی زاده، نشر اختران، تهران.
 مزداپور، کنایون و همکاران (۱۳۹۵). ادیان و مذاهب در ایران باستان، انتشارات سمت، تهران.
 معین، محمد (۱۳۶۴). مجموعه مقالات به کوشش مهدخت معین، انتشارات معین به تهران.
 نوایان، میثم (۱۳۹۶). میترائیسم (مهرپرستی) در شمال ایران، نشر فرهنگ ایلیا رشت.
 ورمازون، مارتین (۱۳۹۳). آیین میترا، ترجمه بزرگ نادر زاده، نشر چشمه، تهران.
 ورمازون، مارتین (۱۳۸۳). آیین میترا، ترجمه بزرگ نادرزاده، چاپ چهارم، نشر چشمه، تهران.
 ویلیامز، الن (۱۳۸۸). جستاری در فلسفه زرتشتی، دین زرتشتی متاخر انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، تهران.
 هاردی، فرید هلم (۱۳۷۶). ادیان اسپا، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، نشر فرهنگ اسلامی.
 هنوی، ال دیپلو (۱۳۷۴). قربانی و جشن در منظومه های منوچهری، ترجمه افسانه منفرد فرهنگ ش، ۱۶ صص ۲۸-۲۶۳.
 هوار، کلمان (۱۳۷۹). ایران و تمدن ایرانی، ترجمه حسن انوشه، امیر کبیر، تهران.
 هینلز، جان راسل (۱۳۹۳). شناخت اساطیر ایران، ترجمه باجلان فرخی، نشر اساطیر، تهران.
 یاما اوچی، ادوین ام (۱۳۹۰). ایران و ادیان باستانی، ترجمه منوچهر پزشکی نشر ققنوس، تهران.

منابع لاتین

- Porphyry (2000). on Abstinence from killing animals (G. clark, Trans) London: Bloomsbury
 Boyce, M. (1975 a). A. History of Zoroastrianism : the early period. Vol.1.leiden.